خبر

خلق تصویر در صدسالگی باستانی پاریزی

موسسه «آینه‌دار دوران»، سلسله برنامه‌های «تا صدسالگی استاد باستانی پاریزی» را با اعلام فراخوان خلق صد تصویر به نام و یاد این استاد فقید آغاز کرد. براساس فراخوان خلق صد تصویر برای صدسالگی محمد ابراهیم باستانی پاریزی، هنرمندان برای دریافت شرایط ارائه اثر و همکاری با شرکت در بخش رقابتی جشنواره می‌توانند مشخصات و درخواست خود را به پست الکترونیکی tandis@jayezetandis. ir ارسال کنند. داوری بخش انتخاب اثر در این رویداد توسط علی اکبر صادقی، مصطفی گودرزی، مهنوش مشیری، کوروش پارسانژاد و محمدرضا دوست‌محمدی انجام خواهد شد. داوری آثار در زادروز علی اکبر صادقی(یکی از داوران این رویداد) انجام می‌شود. همزمان با این فراخوان، سالن اختصاصی باستانی پاریزی در فضای موزه باغ موزه نگارستان نیز افتتاح شد. در این سالن آثاری هنری خلق و اهدا شده به یاد و نام باستانی پاریزی توسط هنرمندان علاقه‌مند به او همچون زنده‌یاد کامبیز درمبخش، حسین محجوبی، یدا... کابلی و... در کنار اتاقی برای یاد استاد با یادگارهایی از او به نمایش گذاشته شده است. همچنین تفاهم‌نامه تداوم همکاری در خصوص سالن باستانی پاریزی به امضا رسید و از سردیس استاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی با حضور مراد علی‌زاده حامی آینه‌دار دوران رونمایی شد.

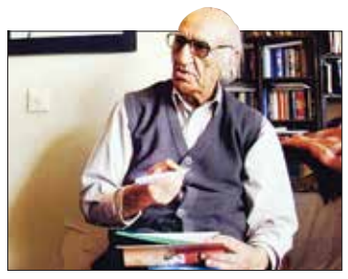

به بهانه فروش چشمگیر فیلم‌های کمدی در اکران، اوج و فرود این گونه سینمایی را بررسی

سینمای کمدی؛ بازگشت به خند

امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

گونه کمدی، نه فقط در سینمای ایران که در سینمای جهان قدیمی‌ترین گونه سینمایی به شمار می‌آید و به بیانی دیگر سینما با گونه کمدی، هویت خود را شناخته است. سینما نخستین‌بار به‌وسیله ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۹۷ شمسی به ایران وارد می‌شود اما شروع فعالیت جدی سینما در ایران ۱۲ سال طول می‌کشد و سرانجام در سال ۱۳۰۹ اولین فیلم ایران توسط آوانس اوهانیانس به نام آبی و رابی در گونه کمدی اکران می‌شود. سینمای کمدی را از جهات مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد. یکی از دسته‌بندی‌های کلی این‌گونه تقسیم کردن این سینما در بسترهایی است که کمدی در آن شکل می‌گیرد؛ متضادها و مترادف‌ها. منظور از تضادها فیلم‌هایی است که موقعیت‌های کمدی آن از تضادهای موجود در داستان به وجود می‌آید مانند تضادهای خانوادگی دو جوان عاشق‌پیشه یا تضادهای فرهنگی وارد شدن شخصی در محیطی که به آن تعلق ندارد مانند ورود یک روستایی به فضای شهری که از این نوع مثال‌ها در سینمای پیش از انقلاب با داستان‌های سطحی و نگاهی ابزاری و جنسی به زن زیاد پیدا می‌شود. منظور مترادف‌ها نیز بستری است که بر شباهت‌ها و موقعیت‌های هماهنگ کاراکترها با دنیای فیلم استوار است و اشتباهات کاراکترها و بدبیاری‌های آنهاست که موقعیت‌های کمدی را خلق می‌کند.

محبوبیت خارج از تصور مدرسه موشها یک نسخه سینمایی از آن ساختند که توانست به فروش بالایی در گیشه‌ها دست پیدا کند و آغازگر موجی از فیلم‌های کمدی عروسکی در سال‌های بعد شود و به نوعی اولین فیلم گونه عروسکی سینمای ایران لقب بگیرد.

کمدی شهری

نیمه دوم دهه ۶۰ برای سینمای کمدی ایران به‌علت پایان جنگ و اقبال بیش از پیش مردم به گونه کمدی دوره‌ای متفاوت از نیمه اول آن به حساب می‌آید. در این دوره کمدی‌هایی به نمایش درآمد که می‌توان آنها را کمدی‌های شهری نام‌گذاری کرد، به این علت که طنز درونی این فیلم‌ها عمدتا در شهرها و مشکلاتی که زندگی شهرنشینی داشت، می‌پردازد و کوچ آدم‌ها از زندگی‌ها و خانه‌های سنتی به زندگی مدرن شهری و آپارتمان‌نشینی را مدنظر دارد. از فیلم‌های این دوره می‌توان به فیلم اجاره‌نشین‌های داریوش مهرجویی، آپارتمان شماره ۱۳ یدا... صمدی و زرد قناری رخشان بنی‌اعتماد اشاره کرد. اجاره‌نشین‌ها شاید نمونه درخشان این سینما باشد که نویسندگی آن را خود مهرجویی برعهده داشت و تحت تاثیر زندگی این کارگردان در شهر فرانسه نوشته شد بود و به خاطر موضوعش که به ساکنان یک آپارتمان می‌پرداخت توانست موضوعات مهم و متنوعی را درون فیلم خود جای بدهد. موضوعاتی مانند فرهنگ آپارتمان‌نشینی که موضوعی نو برای آن زمان به حساب می‌آمد، کلاهبرداری‌هایی که توسط بساز و بفروش‌ها برای آپارتمان‌نشینان اتفاق می‌افتاد و... که همگی به اندازه و درست در فیلم بیان می‌شوند و باعث شد که فیلم اجاره‌نشین‌ها به نظر برخی، بهترین کمدی سینمای ایران لقب بگیرد. از جمله فیلم‌های مهم دیگر این دوره می‌توان به «هی جو» منوچهر عسگری نسب، «روز باشکوه» کیانوش عیاری اشاره کرد که تلاش می‌کردند با نگاه به فرهنگ قبل از انقلاب و پس از انقلاب در جهت تبیین فرهنگ روز برآیند و آگاهی مردم را نسبت به مسائل کشور بیشتر کنند. از سوی دیگر نیمه دوم دهه ۶۰ را می‌توان شروع جدی کمدی‌های عروسکی و سینمای کودک دانست؛ پس از موفقیت بزرگ شهر موشها در گیشه‌ها اقبال به این گونه از سینما هم زیاد شد و ما شاهد فیلم‌های کمدی با کاراکترهای عروسکی هستیم که در دنیایی خیالی روایت می‌شوند و به موضوعات اخلاقی می‌پرداختند. فیلم‌هایی مانند دزد عروسک‌ها به کارگردانی محمدرضا هنرمند، گلنار به کارگردانی کامبوزیا پرتوی و گربه آوازه‌خوان از جمله این فیلم‌ها هستند که آثار موفقی بودند.

> **فیلم‌های کمدی دهه ۶۰ هرکدام بنابر جهان‌بینی پدیدآورنده خود دغدغه‌های اخلاق‌مدارانه داشتند مثل موضوعات هویتی و ملی‌گرایی و دغدغه‌های اجتماعی را دنبال می‌کردند**

تنوع کمدی با رویکردهای هویتی و ملی‌گرا

در کل دهه ۶۰ برای سینمای کمدی ایران پس از انقلاب یک دهه درخشان به حساب می‌آید. در این دهه ما شاهد فیلم‌هایی با موضوعات و کمدی‌های متنوعی هستیم که در نوع خود آثار خوبی به‌حساب می‌آیند. در دهه آغازین سینمای کمدی ایران هم فیلم‌های تاریخی کمدی داریم مانند حاجی واشنگتن و کفش‌های میرزا نوروز و هم کمدی‌های شهری موفقی مانند آپارتمان شماره ۱۳ و اجاره‌نشین‌ها و هم کمدی‌های کودک کم‌نظیری مانند شهر موشها و دزد عروسک‌ها را داریم. تمام این آثار گرچه در ظاهر تفاوت‌های زیادی با هم دارند اما یک نکته با هم مشترک هستند و آن دغدغه‌مندی است، فیلم‌های دهه ۶۰ هرکدام بنابر جهان‌بینی پدیدآورنده خود دغدغه‌های خاص خود را دارند یکی دغدغه هویتی و ملی‌گرایی دارد مانند علی حاتمی، دیگری دغدغه‌های اجتماعی در سر دارد مانند داریوش مهرجویی و یکی مانند مرضیه برومند دغدغه کودکان سرزمین خود را در سر دارد.

دهه ۷۰ فصل کمدی‌های خیال‌انگیز

نیمه اول سینمای کمدی دهه ۷۰ را می‌توان سینمای علیرضا خمسه نام گذاشت. خمسه به‌واسطه بدن منعطف خود و تسلطش بر حرکات صورت و بروز احساسات یکی از پرکارترین کمدین‌های دهه ۷۰ لقب گرفت. از جمله فیلم‌هایی که علیرضا خمسه در آنها به ایفای نقش پرداخته می‌توان به «دو نفر و نصفی»، «جیب‌برها به بهشت نمی‌روند» و «مهریه بی‌بی» اشاره کرد. فیلم‌های کمدی دهه ۷۰ همگی ادامه‌دهنده همان کمدی شهری‌ای است که با اجاره‌نشین‌ها شروع شد. این فیلم‌ها عموما بازنمایی از جامعه زمانه خود است که در بستر خانواده روایت می‌شود و کمدی‌هایی اخلاق‌گرا است. موفق‌ترین فیلمساز دهه ۷۰ را می‌توان ابوالحسن داوودی دانست؛ داوودی که اولین تجربه‌اش فیلم فانتزی سفر جادویی در سال ۷۰ بود، توانست در دو سال پیاپی فیلم‌های جیب‌برها به بهشت نمی‌روند و من زمین را دوست دارم را هم بسازد که هر سه فیلم دارای بن‌مایه‌های فانتزی هستند و توانسته به فیلم‌های ماندگار دهه ۷۰ تبدیل شوند. یکی از فیلم‌های مهم سینمای دهه ۷۰ که کمدی‌ای معناگرا - روان‌شناختی است و تا به امروز کمتر فیلمی در حال و هوای آن ساخته شده، فیلم روز فرشته اثر بهروز افخمی است. افخمی در روز فرشته با درست کردن لوکیشن‌هایی ناآشنا سعی داشت تا درونمایه‌های روانشناختی فیلم را پررنگ‌تر کند اما همچنان بر موضوعاتی که در فرهنگ ایرانی اسلامی خودمان وجود دارد، مانند مکافات عمل تاکید دارد و توانست یکی از فیلم‌های کمدی متفاوت دهه ۷۰ را رقم بزند.

آغاز انحراف با شکستن چارچوب‌ها

نیمه دوم دهه ۷۰ به تناسب تغییر در ماهیت سیاسی کشور با یک تحول در سینمای کمدی ایران همراه بود؛ درواقع تا سال ۱۳۷۶ می‌توان گفت که شخصیت‌ها، کاراکترها و کلیشه‌های سینمای کمدی شکل گرفته بود اما تغییر سیاسی در کشور با ظهور انحراف اصلاحات، باعث شد تا فیلم‌هایی ساخته شود که نوعی انحراف در جریان فیلم‌های کمدی ایجاد کرد، مانند «مرد عوضی» و «مومیایی ۳» محمدرضا هنرمند که اکران این فیلم‌ها هم بدون حاشیه نبود و مرزبندی‌های معمول سینمای کمدی اخلاق‌گرا درهم شکست. مرد عوضی با طرح موضوع جابه‌جایی شوهر و زندگی خصوصی افراد، دقیقا پای به عرصه سینمای قبل از انقلاب گذاشت و مومیایی ۳ هم در قالب سینمای کمدی-اجتماعی تنها به شوخی‌های سیاسی بانهادهای انتظامی و فرهنگی روی آورد. دهه ۷۰ که همزمان با تب مهاجرت‌های کاری به کشورهای آسیای شرقی و یافتن زندگی‌ای راحت‌تر! بود هم سوژه‌ای نو در اختیار فیلمسازان قرار داد تا فیلم‌هایی خارج از جریان معمول سینمای کمدی به مخاطبان خود ارائه بدهند. داوود میرباقری با «آدم برفی» درواقع نشان داد مصائب مهاجرت و واقعیت‌هایی که در پس تصویر زیبای مهاجرت قرار دارد، کابوسی بیش نیست و او سعی داشت تا در قالب کمدی، فیلمی هشداردهنده بسازد تا بتواند مخاطب خود را آگاه کند. البته اگرچه دهه ۷۰ را باید دهه سینمای انحراف در سینما به‌ویژه در سینمای کمدی دانست اما در همین دوران گونه جدید دیگری هم به سینمای کمدی ایران اضافه شد که تا آن زمان فیلمسازی به سراغ آن نرفته بود. کمال تبریزی با ساختن لیلی با من است به موضوع جنگ تحمیلی که تا آن زمان سرشار از قداست بود از دریچه کمدی اجتماعی نگاه کرد و با حفظ همان قداست‌ها از منظر مخاطب، روایتی کمدی از زندگی افرادی را نشان داد که از جنگ واهمه داشتند اما با آشنایی بیشتر با این فرهنگ، خود را جزئی از این بستر دانستند. با این‌که لیلی با من است گونه‌ای جدیدی در سینمای کمدی خلق کرد اما تا به امروز فیلم‌های زیادی در این گونه ساخته نشده و فیلم‌های طنز گونه منحصر به لیلی با من است، مجموعه اخراجی‌ها مسعود ده نمکی و فیلم ضدگلوله مصطفی کیایی است. همچنین در این دوره شاهد ادامه موجی در سینمای کمدی عروسکی هستیم که شهر عروسک‌ها شروع‌کننده آن بود؛ در سال‌های پایانی دهه ۷۰ کمدی‌های عروسکی قابل توجهی تولید شد که توانست در گیشه هم موفق ظاهر شود و تا امروز نه‌تنها از فیلم‌های درجه یک گونه کمدی که از فیلم‌های تراز اول سینمای ایران به حساب بیاید. از فیلم‌هایی که در این سال‌ها تولید شدند می‌توان به «الو المو من جوجوام» به کارگردانی مرضیه برومند و «یکی بود یکی نبود» ایرج طهماسب اشاره کرد. ضمنا مهم‌ترین و ماندگارترین فیلم دهه ۷۰ سینمای کمدی ایران درواقع کلاه قرمزی و پسرخاله است که علاوه بر موفقیت کم‌نظیرش در سینما، نقطه آغازی برای همکاری زوج محبوب سینما ایرج طهماسب و حمید جبلی بود که منجر به آثار ماندگار در سینما و تلویزیون شد. کمدی‌های دهه ۷۰ را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ یکی انحرافاتی که با جریان اصلاحات رقم خورد که تاثیر آن را در دهه‌های بعدی شاهد هستیم و دیگر، جریانی که بن‌مایه‌های کمدی خود را از دهه ۶۰ پاگرفته بود و عملا دنباله‌روی فیلم‌های دهه قبل از خود بودند. به طور کلی فیلم‌های دهه ۷۰ همچنان همان کمدی‌های اخلاق‌گرا هستند که دغدغه‌های خود را دارند؛ هرچند که میزان دغدغه‌مندی فیلم‌های این دهه نسبت به دهه ۶۰ کمتر شده بود. فیلم‌های دهه ۷۰ اگرچه در روایت با هم تفاوت‌های آشکاری دارند اما گونه فانتزی در این دهه زیاد به چشم می‌خورد؛ فیلم‌های فانتزی‌ای که چه در سینمای کودک و چه در گونه کمدی، فیلم‌های ماندگاری شدند که امروزه دیگر خبری از آن کیفیت در سینمای کمدی ایران به چشم نمی‌خورد.

دهه ۸۰ کمدی‌های سیاسی

یکی از ویژگی‌های اصلی سینما به طور کلی متاثر بودن آن از فضای جامعه است؛ به طور کلی اگر در جامعه اتفاقی خاص بیفتد، سینما اگر به شکل مستقیم به آن موضوع ورود نکند، فیلم‌های آن دوران تحت تاثیر آن اتفاق قرار می‌گیرند. اواخر دهه ۷۰ از نظر سیاسی، کشور شرایط ویژه‌ای پیدا کرد و به همین دلیل فیلم‌های کمدی سیاسی در نیمه اول دهه ۸۰ شمسی بیش از همیشه ساخته و اکران شدند. فیلم‌هایی که یا موضوع سیاسی داشتند مانند فیلم مکس یا با تیپ‌سازی از طرفداران گروه‌های سیاسی و اختلافاتی که میان آنها بود، موقعیت‌های طنز خلق می‌شود مانند فیلم نان، عشق و موتور هزار. این فیلم‌ها ادامه‌دهنده جریان انحراف در ساخت فیلم‌های کمدی بود که از اواسط دهه ۷۰ آغاز شده و در نیمه اول دهه ۸۰ نیز به وفور ساخته شدند.

اما در این میان یکی از فیلم‌های مهم تاریخ سینمای کمدی ایران و

قاب

انتشار فراخوان «جشنواره تئاتر خیابانی شهروند»

فراخوان سیزدهمین جشنواره تئاتر خیابانی شهروند لاهیجان با شعار «شهر امن و پویا، جامعه پر امید و کارا» منتشر شد. این جشنواره با مشارکت شهرداری و شورای اسلامی شهر لاهیجان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان، اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن هنرهای نمایشی ایران با تکیه بر عنوان سال «جهش تولید با مشارکت مردم» اواخر شهریور ۱۴۰۳ در شهر لاهیجان برگزار می‌شود. علاقه‌مندان و هنرمندان تئاتر خیابانی، برای دریافت اطلاعات بیشتر می‌توانند به وب‌سایت http://shahrvand-lahijan.ir مراجعه کنند.

جشنواره

جشنواره نقالی «غدیر» بین‌المللی می‌شود

نشست رسانه‌ای ششمین جشنواره نقالی و پرده‌خوانی غدیر با حضور حجت‌ا... ناظری معاون مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، حسین ظاهری دبیر جشنواره و سیدمحمدجواد جلالی دبیر علمی جشنواره، در حوزه هنری برگزار شد. ظاهری از اضافه شدن بخش طلاب، علمی، کودک و نوجوان و پژوهش و تشویق به جشنواره خبر داد و گفت: ما در سطح کشور با خلاء تنوع داستان و طومار مواجه هستیم. از این رو بحث طومارنویسی را در جشنواره مدنظر قرار دادیم. همچنین بخش نمایشگاه پرده‌های مکتب قهوه‌خانه‌ای را برای آشنایی نسل جوان در نظر گرفتیم. جلالی نیز گفت: جشنواره امسال دارای دبیرخانه دائمی شده و شبکه نقالان بین‌المللی را تشکیل خواهد داد و تلاش می‌کنیم سال بعد حداقل ۲۰ اثر پژوهشی داشته باشیم. وی درباره بخش بین‌الملل نیز گفت: روح هنر نقالی در کشورهای دیگر آموزش داده خواهد شد. معتقدیم نقالی بستری برای انتقال فرهنگ ایرانی - اسلامی به کشورهای هدف است و برای کشورهای فارسی‌زبان و همسایه برنامه‌ریزی‌هایی داریم. همچنین تلاش می‌شود در حوزه آکادمیک بحث آموزش نمایش‌های ایرانی مدون شود.

نوا

اجرای «اقلیم هشتم» در فرهنگسرای نیاوران

گروه موسیقی «اقلیم هشتم» کنسرتی را با عنوان «هُوَرقَلیا» روز جمعه یکم تیر، در فرهنگسرای نیاوران اجرا می‌کند. گروه اقلیم هشتم به سرپرستی شهاب قاسمی با همراهی گروه کُر به سرپرستی مصطفی وقاری قطعات سنتی با اشعاری از حافظ، سعدی، مولانا، بیدل دهلوی، شیخ بهایی و چند قطعه گروه‌نوازی و تک‌نوازی را در سالن خلیج‌فارس اجرا می‌کنند. هُوَرقَلیا، نام یک ساز کوبه‌ای جدید و تلفیق دو ساز دف و انبرک است. نام ساز برگرفته از حکمت شیخ اشراق (شهاب‌الدین سهروردی) است که هُوَرقَلیا را مکانی در عالم مثال معرفی می‌کند که حد فاصل بین دنیای مادی، معنوی و هشت گوشه است. این ساز با جنس پوست طبیعی از سال ۱۳۸۴ ساخته و در کنسرت‌های متعدد از آن استفاده شده است. در این کنسرت از این ساز با جنس پوست مصنوعی برای اولین‌بار به صورت گروهی استفاده می‌شود. صدای این ساز و زنگ‌های آن نوایی متفاوت و عرفانی به گوش مخاطبان می‌رساند. کنسرت گروه موسیقی اقلیم هشتم با عنوان هُوَرقَلیا روز جمعه یکم تیر ساعت ۱۸ در فرهنگسرای نیاوران اجرا می‌شود.